اول مهر در تئاتر شهر «بوران» می‌آید

نمایش «بوران» به نویسندگی علی دلگشایی، طراحی و کارگردانی کامبیز بنان و بازی مریم یوسف و مسعود خواجه‌وند از چهارشنبه اول مهر اجرای خود را در کارگاه نمایش مجموعه تئاتر شهر آغاز می‌کند. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: رضا در نقطه صفر مرزی مشغول خدمت است که دختری قصد عبور از آن را دارد اما رضا مانع می‌شود. احسان فکا مشاور هنری، آیلی ابراهیمی دستیار کارگردان و منشی صحنه، سپیده سعادتی طراح لباس، امیر قادری طراح گریم، مهدی رایگانی طراح پوستر و بروشور، کامبیز بنان انتخاب موسیقی، محمد مرندی مدیر صحنه و محمد جعفرنژاد عکاس و ساخت تیزر گروه طراحی، تولید و اجرایی پروژه نمایشی بوران را تشکیل می‌دهند. کامبیز بنان در یادداشتی به مناسبت آغاز اجرای این نمایش نوشته است: «ما روزها، ماه‌ها و سال‌ها با گذشته دست‌وپنجه نرم می‌کنیم. با خاطره‌هایی که هر بار، از گوشه‌ای و به شکلی سر برمی‌آورند و دوباره زخم‌های قدیمی را به یادمان می‌اندازند و... بوران از چهارشنبه اول مهر ساعت ۱۹:۴۵ به مدت ۶۰ دقیقه در کارگاه نمایش مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود.



جام جم
فرهنگ
CULTURE
۵
دوشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۵ شماره ۷۴۲۲

وعده صادق؛ حماسه در قاب هنر

نجاری: هدف اصلی ما، عبور از روایت‌های شعاری و رسیدن به آثار با کیفیت هنری است



نسرین بختیاری
گروه فرهنگ و هنر

مهلت ارسال آثار به دومین رویداد بین‌المللی «وعده صادق در آینه هنر»، برنامه‌ای فرهنگی-هنری که توسط سازمان بسیج هنرمندان برگزار می‌شود، تا دهم آبان‌ماه تمدید شد. در همین راستا، آشنایی با فلسفه شکل‌گیری این رویداد از زبان محمد نجاری، دبیر آن، خالی از لطف نیست. این حرکت فرهنگی-هنری در واقع ادامه‌دهنده اولین دوره (سال ۱۴۰۳، پس از عملیات وعده صادق۱) است و با رویکرد بین‌المللی و با هدف روایت عملیات‌های «وعده صادق»، جنگ‌های اخیر و نقش مردم و رهبری از راه هنر برگزار می‌شود. به گفته محمد نجاری، وعده صادق در آینه هنر در دومین دوره خود، تلاش می‌کند فقط رویدادی برای بازتاب یک عملیات نظامی نباشد. این بار دبیرخانه می‌خواهد مجموعه‌ای از رخدادهای معاصر، از عملیات وعده صادق تا جنگ ۱۲روزه و جنگ رمضان، در قالب روایت‌های هنری ثبت و ماندگار شود. هدف اصلی این دوره، عبور از روایت‌های شعاری و رسیدن به آثاری با کیفیت هنری است که ظرفیت ماندگاری داشته باشند. نجاری در این گفت‌وگو تأکید دارد که هنر می‌تواند تجربه یک دوره تاریخی را به حافظه جمعی نسل‌های بعد منتقل کند. در این نگاه، فقط فرماندهان و چهره‌های رسمی موضوع روایت نیستند و زندگی و تجربه مردم عادی نیز اهمیت دارد. از سوی دیگر، حضور نسل جوان، فناوری، هوش مصنوعی، هنرهای تعاملی و قالب‌هایی مانند بازی و انیمیشن بخشی از مسیر تازه این رویداد تعریف شده‌اند. دبیرخانه وعده صادق در آینه هنر، همچنین به‌دنبال ایجاد یک پایگاه روایی، کتاب‌شناسی، کتابخانه و موزه دائمی است تا آثار تولیدشده به نقطه پایان جشنواره محدود نمانند و در سال‌های آینده، منبعی برای خلق فیلم، رمان، نمایش و دیگر آثار هنری باشند.



مهم‌ترین تفاوت رویکردی دومین رویداد وعده صادق در آینه هنر با دوره اول چیست؟

دوره نخست سال ۱۴۰۳ و پس از عملیات وعده صادق و در واکنش به حمله به کنسولگری ایران در دمشق برگزار شد. در آن مقطع، سازمان بسیج هنرمندان بلافاصله فراخوان رویداد را در سطح ملی منتشر کرد و حدود ۸۰۰ اثر به دبیرخانه رسید و در نهایت اختتامیه نیز برگزار شد. اما در فاصله میان دوره نخست و دوم، مجموعه‌ای از رخدادهای تازه در کشور از جمله جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان که از آنها به‌عنوان جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم یاد می‌کنیم، اتفاق افتاد. بنابراین، دوره دوم صرفا ادامه دوره نخست نیست و به روایت و حماسه‌پردازی جدید و نگاه هنرمندانه‌تر به مجموعه این رخدادها نیاز دارد. در این میان، پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب به مناسبت بزرگداشت حکیم فردوسی منتشر شد که برای ما اهمیت ویژه‌ای داشت. ایشان در پیام خود با اشاره به حماسه حضور، دفاع و پیروزی، وظیفه سنگینی برای هنرمندان در امتداد بعثت مردم قائل شده‌اند. در آن پیام تأکید شده که نقش فکر، قلم و زبان در ماندگار کردن خیزش و حماسه مردم بسیار ویژه است. این نگاه برای دبیرخانه دومین رویداد بین‌المللی وعده صادق در آینه هنر به یک جهت‌گیری تبدیل شده است؛ این‌که هنرمندان امروز نیز مانند فردوسی بتوانند حماسه‌های معاصر را در قاب هنر ماندگار کنند. به همین دلیل، اولویت‌های دوره دوم نیز گسترده‌تر شده است. اولین رویکرد ما همچنان روایت عملیات‌های وعده صادق است؛ دوم، پرداختن به نقش، سبک زندگی، شیوه حکومت و نحوه شهادت رهبر انقلاب؛ سوم، ترسیم ابعاد جنگ ۱۲روزه و جنگ رمضان و تبیین اقتدار، شجاعت و دست برتر نظام در این نبردها و چهارم، توجه به حماسه حضور مردم ایران به‌عنوان یکی از عناصر اصلی این رخدادهاست.

در این دوره، وعده صادق چطور قرار است از یک واقعه نظامی به روایت هنری تبدیل شود؟

هدف ما فقط بازسازی وقایع یا برگزاری جشنواره صرف نیست. تا همین لحظه هم ۷۰۰۰ اثر به دبیرخانه ارسال شده و ما تمام آنها ارسالی را در هفت بخش فیلم، ادبیات داستانی، شعر، تئاتر، هنرهای تجسمی و موسیقی طبقه‌بندی کردیم. ما برخلاف جشنواره‌های دیگر، محدودیتی در تعداد شرکت‌کنندگان نداریم؛ اما هر هنرمندی می‌تواند حداکثر پنج اثر ارسال کند.

در انتخاب آثار برای حمایت و تولید، چه معیاری برای شما تعیین‌کننده‌تر است؟

من هم هنرمند بوده‌ام و هم در دانشگاه فعالیت کرده‌ام و معتقدم قرار نیست صرفا کارهای شعاری را انتخاب کنیم و از آنها تقدیر شود، بلکه کیفیت آثار، هدف اصلی این رویداد است. به همین دلیل، ترکیب شورای سیاست‌گذاری، مشاوران و داورانی که انتخاب می‌شوند نیز بر همین اساس شکل گرفته است. تلاش کرده‌ایم از افراد شاخصی استفاده کنیم که هم در تولید اثر و هم در ارتباط با مخاطب تجربه موفق داشته‌اند. هرچه کیفیت آثار بالاتر باشد، امکان ارائه آنها به مخاطب، ورود به بازارهای جهانی و حضور گسترده‌تر در عرصه بین‌المللی نیز بیشتر خواهد شد. بنابراین، کیفیت، برای ما شرط اصلی ماندگاری و اثرگذاری آثار است.

اگر بخواهیم این رویداد در همین اندازه محدود نشود و روی جریان فرهنگی کشور تأثیر بگذارد، به نظرتان چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟

معتقدم بنیان‌های هویتی هر ملتی بر ستون‌های رخدادها و حماسه‌های ماندگار استوار است. اگر به تاریخ و مراحل هویتی ایرانیان نگاهی بیندازیم، پس از ورود اسلام به ایران و بعد از آن سیطره غزنویان، فردوسی شاهنامه را خلق کرد. در عصر صفوی که حکومت شیعی بر ایران مستولی می‌شود ایرانیان هویت ملی خود را در هویت دینی می‌یابند. سومین مقطع، عصر مشروطه است که پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم یأس عمیقی بر ایران حاکم شد، اما ایرانیان با رجوع به هویت فرهنگی خود به رباعیات خیام روی آوردند. دوره چهارم هویتی نیز انقلاب اسلامی است که جمهوری اسلامی در این مسیر با آزمون‌های سترگی روبه‌رو بوده و هرکدام از آنها ظرفیتی برای خلق حماسه‌های جاودانه ایجاد کرده است. پس از آن نیز جنگ هشت ساله پیش می‌آید که نتیجه آن سینما و شعرهای قوی در زمینه دفاع مقدس بود. به همین دلیل معتقدم دفاع مقدس دوم برای ما یک اتفاق مبارک است و بر همین اساس، معتقدم جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم نیز می‌توانند زمینه خلق آثار ماندگاری را فراهم کنند؛ البته مشروط به این‌که هنرمندان بتوانند روایت‌هایی عمیق، متنوع و ماندگار از آنها ارائه دهند. ما برای رسیدن به جریان فرهنگی باید از رویداد به نوعی زیست‌بوم جهانی روایت ایرانی برسیم. در جهان معاصر قدرت اقتصادی کشورها در میزان برخورداری از قدرت نظامی و اقتصادی صرف نیست. بخش مهمی از قدرت یک ملت در توانایی روایت، معنا دادن به تجربه تاریخی و تبدیل آن به حافظه تاریخی در نسل‌های بعد است. از این منظر هنر دیگر عرصه‌ای برای بازنمایی رخدادها نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین میدان‌های شکل‌دهی به ادراک، هویت و حافظه جمعی و آینده فرهنگی جوامع است.

این زنجیره‌ای که از آن صحبت می‌کنید، در عمل چه مراحلی دارد؟

در مدل مورد نظر ما، اختتامیه باید آغاز مرحله بعدی چرخه تولید باشد. به همین دلیل، شورای سیاست‌گذاری این رویداد را با حضور همزمان هنرمندان، فیلمسازان، تهیه‌کنندگان، شاعران و پژوهشگران هنر در کنار مدیران فرهنگی، دانشگاهیان، پژوهشگاه‌ها، مدیران شهری، مدیران رسانه‌ای، مدیران اقتصادی و مجموعه‌های نظامی و حاکمیتی برگزار می‌کند. این ترکیب می‌تواند یک زنجیره ارزش فرهنگی چندلایه به وجود آورد؛ یعنی رخداد تاریخی به پژوهش تبدیل شود، پژوهش به نظریه، نظریه به ایده، ایده به آموزش و آموزش به تولید اثر برسد. پس از آن نیز تأمین مالی، انتشار، اکران، ترجمه، توزیع بین‌المللی، مخاطب‌سازی، صادرات فرهنگی و تولید ثانویه دنبال شود. در مدل‌های سنتی، معمولا جشنواره‌ها با فراخوان، نقطه شروع تولید اثر را رقم می‌زنند و با برگزاری اختتامیه به پایان می‌رسند؛ اما در مدل آینده‌نگر، اختتامیه آغاز چرخه تولید اثر است.

از این منظر، دبیرخانه رویداد وعده صادق در وعده هنر فقط نباید یک ساختار اداری داشته باشد؛ بلکه باید به مرکز فرماندهی ورصد زیست‌بوم روایت هنری وعده صادق تبدیل شود. به همین دلیل ما درباره این محورها فکر کردیم و هدف ما صرفا بازسازی وقایع نیست، بلکه قصد داریم به پرسش‌های عمیق‌تر پاسخ دهیم؛ مانند این‌که این رخداد برای ایرانیان چه معنایی داشت؛ چه تغییری در تصور جامعه از قدرت، امنیت و بازدارندگی ایجاد کرد و چگونگی روایت آن برای نسل‌های آینده است. آینده‌پژوهی حکم می‌کند که شخصیت‌های تاریخی فقط به‌عنوان یک قهرمان مطرح نشوند، بلکه انسانی و چندوجهی باشند. به‌عنوان مثال، امام شهید همان اندازه که با شاعران می‌نشستند و بحث می‌کردند، با مسئولان نظامی هم به گفت‌وگو می‌پرداختند و حرفی برای ارائه داشتند.

برای این‌که روایت وعده صادق در آینه هنر در سال‌های آینده هم قابل استفاده باشد، چه زیرساختی در نظر گرفته‌اید؟

جنگ تحمیلی دوم و سوم در چند میدان جریان دارد؛ از میدان نظامی و رسانه‌ای گرفته تا اطلاعاتی، روایی، اقتصادی، فناوری و معنا. از این منظرها دبیرخانه رویداد وعده صادق در آینه هنر باید بتواند لایه‌های پنهان جنگ‌ها را روایت کند که ظرفیت سینما، هنرهای تجسمی و تعاملی در آن بسیار بالاست. اما هدف نهایی ما تولید انبوه آثار نیست، بلکه ایجاد یک پایگاه و کتابخانه بزرگ روایی از جنگ‌های معاصر است. یکی از نخستین اقدامات در این راستا، تهیه «کتاب‌شناسی وعده صادق» در قالب یک طرح پژوهشی است. همچنین قرار است دبیرخانه دائمی به محلی برای ارائه و نمایش مستمر آثار مرتبط با محورهای رویداد تبدیل شود و براساس این چهار محور، کتابخانه و موزه دائمی «وعده صادق» نیز شکل بگیرد. هدف این است که این مجموعه صرفا محل نگهداری آثار نباشد و در سال‌ها و حتی دهه‌های آینده، به منبع و زمینه‌ای برای تولید فیلمنامه، رمان، نمایش و دیگر آثار هنری تبدیل شود. ما به یک حافظه زنده و قابل استفاده از این رخداد نیاز داریم؛ حافظه‌ای که هر نسل بتواند به آن مراجعه و از زاویه‌ای تازه به این وقایع نگاه کند.

در روایت این رخداد، جایگاه مردم و تجربه روزمره آنها کجاست؟

یکی از مهم‌ترین تغییرات مورد نظر ما، تغییر کانون روایت از قدرت به جامعه است. در بسیاری از آثار تاریخی، ساختار قدرت، فرماندهان و شخصیت‌های بزرگ در مرکز قرار دارند و انسان عادی و تجربه روزمره او کمتر دیده می‌شود. اما ماندگاری یک رخداد، به‌ویژه در جنگ معاصر، فقط به قهرمانان رسمی وابسته نیست؛ میلیون‌ها روایت کوچک و خرده‌روایت نیز می‌توانند بخشی از حافظه تاریخی را بسازند.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

برش

فلسفه نام‌گذاری «وعده صادق»

محمد نجاری درباره علت نام‌گذاری رویداد «وعده صادق» به جام جم گفت: «فرماندهان قبل از عملیات وعده صادق به قرآن رجوع کردند و آیه ۵۴ سوره مریم از اسماعیل حزقیل به‌عنوان پیامبر قوم بنی‌اسرائیل «صادق‌الوعد» یاد شده است. در روایتی از امام‌رضا(ع) نیز درباره دلیل این نام‌گذاری آمده است که اسماعیل با مردی وعده داشت و برای وفای به عهد، مدت طولانی در انتظار او ماند. این مفهوم برای ما فقط یک نام نیست، بلکه بار معنایی و هویتی دارد؛ یعنی وفاداری به عهد. به همین دلیل، دبیرخانه تلاش کرده است در کنار برگزاری رویداد، به ریشه‌های فرهنگی و هنری این مفهوم نیز توجه کند. برای نمونه، یک نسخه تعزیه با عنوان «اسماعیل صادق‌الوعد» مربوط به دوره قاجار شناسایی و تصحیح شده که قرار است منتشر شود. ما این نسخه را نیز بخشی از اسناد هویتی مرتبط با عنوان «وعده صادق» می‌دانیم. در نهایت، هدف ما این است که وعده صادق فقط یک عنوان یا یک جشنواره نباشد؛ بلکه به یک جریان روایی و فرهنگی تبدیل شود که بتواند به ثبت رخدادهای معاصر بپردازد، برای آنها زبان هنری پیدا کند، حافظه جمعی بسازد و زمینه تولید آثار ماندگار در سال‌های آینده را فراهم آورد.



مدرسه نقد جام جم

جاده‌ای که در آن زندگی به اجبار نفس می‌کشد

معصومه مرادی‌ها
فارغ‌التحصیل «مدرسه نقد جام جم»

در میان کارهای آشفته و کم‌رمق این سال‌ها بالاخره شاهد فیلمی بودیم شایسته نام سینما؛ دومین اثر بلند یوسف حاتمی‌کیا که نویسندگی آن را نیز خود برعهده داشته است.

«اسکورت» درامی جاده‌ای-ماجراجویانه است. روایت فیلم در ظاهر داستان زندگی شوتی‌هاست اما در بطن ماجرا حقیقتی تلخ نهفته است. اسکورت بیش از این‌که نمایش شوتی‌گری و سختی کار آنها باشد، قصه جنگیدن برای بقاست. جایی که نه ترس معنایی دارد و نه مرگ هراسی، وقتی که نان بر سر سفره نیست. مردمانی که زیر فشارهای اقتصادی کمر خم کرده و از سر ناچاری دل به جاده زده و تن به کاری پرخطر می‌سپارند. همان‌طور که از زبان آدم‌های قصه می‌شنویم، شوتی یعنی صبح با همه عزیزانت خداحافظی کنی، که انگار آخرین خداحافظی است، شوتی یعنی چشم‌های منتظر بازگشتی که ممکن است هرگز اتفاق نیفتد. نگاه انسانی و درست همان گوهر کمیابی است که می‌تواند هر فیلمی را به اثری ارزشمند و ماندگار مبدل سازد. نگاه انسانی کارگردان همان نقطه مشترک با نگاه پدری است که آثارش همواره در آسمان سینمای ایران درخشیده. حاتمی‌کیای پدر، روایتگر قصه رویارویی با دشمن در میدان است و حاتمی‌کیای پسر، از جنگ تحریم‌ها سخن می‌گوید؛ نبردی که در دل فرسایش، زندگی را از نفس می‌اندازد و نرم و بی‌صدا ویران می‌کند. فیلم قصه سربازی به نام امیر است که به‌دنبال تهیه دارو برای دوستش به دل جاده می‌زند تا اسکورت شوتی‌ها شود. در همراه‌شدنش با حلما، علاقه‌ای بین این‌دو شکل می‌گیرد و فیلمساز با هوشمندی میان تعقیب‌وگریز ماشین‌های شوتی لحظاتی دراماتیک خلق می‌کند تا در فضایی عاطفی، قهرمانان قصه در دل گریزهای نفس‌گیر کمی نفس تازه کنند. کارگردان در بیان بصری آنچه به نگارش درآورده، از توان بالایی برخوردار بوده و ایده‌ای جذاب را با فرمی متناسب در غالب تصاویری زیبا توام با هیجان، پیشکش چشمان مخاطب می‌کند. طراحی میزانسن کاملا فکرشده و حرفه‌ای است. فضاسازی و قاب‌های زیبا، صحنه‌های تعقیب‌وگریز جاده‌ای مهیج، بازی‌ها گیرا و دوست‌داشتنی، طراحی لباس و چهره‌پردازی ایده‌آل، شخصیت‌پردازی عالی، فیلمبرداری و صداگذاری فوق‌العاده، اسکورت را در یک کلمه معنا می‌کند: سینما. آیا مخاطب می‌تواند چیزی بیش از این از سینما طلب کند؟

نقش صدا در فیلم بسیار پررنگ است. استفاده از تکنیک سه‌بعدی در صداگذاری به جاده جان می‌بخشد، به‌طوری‌که دیگر نمی‌توان تنها آن را مکان رخ‌دادن اتفاقات دانست؛ یکی از شخصیت‌های داستان است که نفس مخاطب را با نفس کارکترها در می‌آمیزد، و با سایش چرخ ماشین‌ها هیجان را به اوج می‌رساند تا تماشاگر بیش از پیش تحت تاثیر اتفاقات همراه قهرمان با همان سرعت ماشین‌ها، مسیر فیلم را طی کند. فیلم جهانی را پیش‌روی ما قرار می‌دهد که آدم‌هایش نه اسطوره‌هایی با ویژگی‌های خاصند، نه شبیه نسخه‌های هالیوودی آن کارهای عجیب و غریب انجام می‌دهند. دنیای اسکورت، دنیایی است ساده و باشکوه با انسان‌های کاملا معمولی. آدم‌های جسور ولی بی‌ادعایی که انگیزه و تلاش‌شان نه برای دیده‌شدن و تقدیر، که برای بقای انسانیت و نوع دوستی است. در دنیایی که عشق در آن از جنس همراهی و رفاقت است تا در دو راهی وظیفه و وجدان، به‌دور از هرگونه اغراق و شعاری، انسانیت را به آغوش کشد، حتی به قیمت مرگ. سخن پایانی این‌که یوسف حاتمی‌کیا نشان داد هنوز می‌توان به آینده سینمای ایران امیدوار بود.

یادداشت

دکتر محمدحسن زورق | نویسنده و پژوهشگر

۱۰۰ سال پیش ۱۰۰ سال بعد و اقبال لاهوری

در آستانه یکصد و پنجاهمین سالروز ولادت خورشید مشرق، اقبال لاهوری قرار داریم. اقبال در نهم نوامبر ۱۸۷۷ میلادی در سیالکوت که امروز در کشور پاکستان قرار دارد به‌دنیا آمد. از آن تاریخ تا امروز ۱۴۹ سال گذشته و اینک در آستانه آغاز یکصد و پنجاهمین سالروز ولادتش قرار گرفته‌ایم. اقبال لاهوری متفکری واقع‌بین و شاعری توانا و فیلسوفی نکته‌سنج و از همه اینها مهم‌تر یک مسلمان راستین و در نتیجه یک انقلابی مسلمان بود. انقلابی مسلمان کسی است که به فلسفه وجودی انسان پی برده و می‌داند انسان برآمده از خاک و پرکشیده به‌سوی خداست و پرکشیدگی به‌سوی خدا هم حق او، هم وظیفه او و هم فلسفه آفرینش اوست. زبان برجسته‌ترین و شیرین‌ترین اشعار او فارسی است. چون در آن زمان زبان فارسی زبان مادری مردم هند به شمار می‌رفت و هنوز استعمار نتوانسته بود به آرامی و نرم‌نرمک مردم هند را گرفتار و دچار انواع تفرقه از جمله تفرق زبانی کند. بی‌تردید انسان متفکر و مردم‌دوستی مانند اقبال لاهوری به فکر نجات تمام مردم شبه‌قاره هند از زنجیر استعمار و استحمار بود. او به تمام مردم در شبه‌قاره هند و فراتر از شبه‌قاره هند عشق می‌ورزید ولی راه حل نجات مستضعفین را نه در راه حل‌های استحماری که در آموزه‌های قرآن مجید و پیروی از آموزه‌های نهاد نبوت می‌دانست و جوانه‌های بیداری را در شبه‌قاره هند می‌دید و می‌سرود: «پس چه باید کرد ای اقوام شرق/ باز روشن می‌شود ایام شرق/ در ضمیرش انقلاب آمد پدید/ شب گذشت و آفتاب آمد پدید/ یورپ [Europe] از شمشیر خود بسمل فتاد/ زیر گردون رسم لادینی نهاد». ولی استحمار و استعمار غرب بیدی نبود که با هر بادی بلرزد و بریزد و از میدان بگریزد و میدان را برای آزادی و استقلال کشور خالی گذارد و به‌دست ملت بسپارد. اقبال لاهوری در زمانه‌ای در شبه‌قاره هند چشم بر روزگار گشود که جزیره بریتانیا تقریبا در حدود ۲۰ میلیون نفر جمعیت داشت و شبه‌قاره هند بیش از ۲۰۰ میلیون نفر جمعیت داشت و آن کشور ۲۰ میلیونی، یک کشور ۲۰۰ میلیونی را که هزاران کیلومتر دورتر از مرزهایش بود، خورده بود اما چگونه؟ با انواع تفرقه! نخست تفرقه زبانی. زبان وسیله اندیشیدن است. ما با «خود» به‌وسیله زبان مادری سخن می‌گوییم و فکر می‌کنیم. زبان ما را با «خود» و با «دیگران و جامعه» و با «تاریخ گذشته» و با «تاریخ آینده» مرتبط می‌کند. ارزش هر زبان به اندازه معارفی است که در آن زبان به‌وجود آمده. به‌عنوان مثال زبان عربی زبان قرآن مجید است و یا زبان فارسی زبان عرفان، عشق، تشیع و امروز زبان انقلاب اسلامی است. چون بخش عظیمی از ادبیات عرفانی و معارف شیعی و ادبیات انقلاب اسلامی در زبان فارسی پدیدار شده است. وقتی که مردمی زبان خود را از دست می‌دهند در حقیقت بخش عظیمی از ارتباطات خود در طول تاریخ و عرض جغرافیا را از دست می‌دهند. پیدایش زبان اسپانیولی در شبه‌جزیره ایبری، پیدایش زبان اردو در شبه‌قاره هند، تغییر خط در ترکیه و تغییر خط در آسیای مرکزی و قفقاز به‌منظور قطع این ارتباطات صورت گرفته است. شگفت‌انگیز آن‌که این اتفاقات تقریبا همزمان و غالبا در طول ۲۰۰ سال اخیر رخ داده است. در شبه‌قاره هند زبان فارسی که زبان ملی مردم هند بود تنها به‌وسیله زبان اردو تضعیف نشد بلکه با یک حرکت خزنده و با چراغ خاموش، استحمار هندوستان را گرفتار تفرقه زبانی کرد. ابتدا تحت عنوان توجه به غنای فرهنگی و تنوع فرهنگی و توجه به فرهنگ اقوام کوشید از هر لهجه محلی و روستایی یک زبان جدید بسازد. برای این کار ماموران فرهنگی غرب مشغول کار شدند. دهاتی حرف زدن ترویج شد. گویی زبان فارسی فاقد دستور زبان است و غلط و صحیح در حوزه زبان معنی ندارد و هر طور که بخواهی هر کلمه را می‌توان تلفظ کرد. با تغلیظ لهجه‌ها و نوشتن دستور زبان جدید برای هریک از آنها زبان جدیدی را ساختند و برای هریک نیز یک تاریخچه هزار ساله نوشتند. این فرآیند امروز نیز در جریان است. تصادفی نیست که دستور فلان زبان در آسیای غربی را یک فرانسوی می‌نویسد! از شما چه پنهان اگر بخوابید و ۱۰۰ سال دیگر بیدار شوید خواهید دید که دستور زبان لری را یک هلندی نوشته و دستور زبان گیلکی را یک انگلیسی و دستور زبان فارسی یزدی را یک دانمارکی و دستور زبان فارسی خراسانی را یک فرانسوی و دستور زبان کرمانی را یک انگلیسی دیگر نوشته و اصل زبان فارسی آنچنان مهجور شده که مردم دیگر با زبان انگلیسی صحبت می‌کنند. چون هیچ زبان دیگری جز زبان انگلیسی فراگیر نیست و با کمی تأمل درخواهید یافت که این کار را به‌وسیله نهادهای خودمان انجام داده‌اند. در شبه‌قاره هند این فرآیند نه در ۱۰۰ سال آینده که در ۱۰۰ سال گذشته رخ داد. امروزه ده‌ها زبان رسمی در هند وجود دارد. کما این‌که در همین دو سه دهه اخیر در این خانه نیز تلاش زیادی صورت گرفته تا اصالت به تفرق قومی و لهجه‌های محلی و لباس‌های محلی و آداب و رسوم محلی داده شود نه به امت و آرمان ایجاد جامعه تراز قرآن و زبان ملی و لباسی که کمترین قیمت و بیشترین دوام و بهترین کارایی و بیشترین عمومیت را داشته باشد بلکه لباسی که بیشترین تفرقه پوششی را بتواند ایجاد کند.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید